

باسمه تعالی

چالش‌های

امر به معروف

و

نهی از منکر

چالش‌های امر به معروف

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت همگانی و متقابل در جامعه‌ی اسلامی است و احیای روح امر به معروف و نهی از منکر ضامن سعادت و پیشرفت و توسعه و ترقی و تکامل و فلاح است.

احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، از دو طرف با مشکلات و موانع گوناگون مواجه است، زیرا امر و مأمور در وضعیت مطلوب قرار ندارند. از یک طرف عوامل متعددی وجود دارد که دولت و ملت را از امر به معروف و نهی از منکر باز می‌دارد و باعث کوتاهی و سستی در انجام وظیفه می‌گردد و سرانجام موجبات ترک امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌سازد، و از طرف دیگر در مخاطبان امر به معروف و نهی از منکر نیز موانعی برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و افراد و اقشار مختلف به دلایل گوناگون امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌پذیرند و اقدامات و تلاش‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر بی‌اثر می‌گردد. از این رو باید عوامل بازدارنده از امر به معروف و نهی از منکر، و موانع و علل عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر را شناخت و ریشه‌یابی نمود و راه احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و گسترش و توسعه‌ی آن را گشود و موانع فرهنگ‌سازی دینی را برطرف ساخت. برخی مشکلات و چالش‌های امر و مأمور و ناهی و منهی عنه، مشترک است و در هر دو بخش نیز مشکلات و موانع ویژه‌ای حاکم است. این مقاله در راستای بررسی و شناسایی و تحلیل «علل عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر در جامعه» گام بر می‌دارد و از این مسیر به احیاء و انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد.

علل کلی

رعایت آداب امر به معروف و نهی از منکر از سوی آمران به معروف و ناهیان از منکر، موجبات قبول آن از سوی مخاطبان و شنوندگان را فراهم می‌سازد. بنابراین ناآراستگی گویندگان و آمران به آداب و ویژه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، عامل اصلی عدم قبول و پذیرش مخاطبان و شنوندگان است.

امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «لِكُلِّ أَمْرٍ أَدَبٌ - برای هر چیزی ادبی است»^۱

ثمربخشی کارها و تحقق اهداف، بستگی به رعایت روش‌ها و شیوه‌های متناسب و زیبای آن دارد. شناسایی راه‌کارها و راهبردهای نتیجه‌بخشی و رسیدن به مقصد و آراستگی به آن‌ها، در افزایش جاذبه و کشش مخاطبان به سوی خوبی‌ها و رهایی از بدی‌ها نقش بنیادی دارد.

امام حسن عسگری علیه‌السلام در تبیین راهبرد ادب شناسی فرموده‌اند: «كَفَاكَ أَدَبًا بَحْبُوكَ مَا تَكَرَّهُ مِنْ غَيْرِكَ - اجتناب و دوری تو از آن‌چه از غیر خود زشت می‌شماری و نمی‌پسندی برای ادب کافی است.»^۲

اگر آمر به معروف و ناهی از منکر در ارتباطات فردی، از هر چیزی که از دیگری ببیند نمی‌پسندد و خوشش نمی‌آید، پرهیز کند زمینه‌ی تأثیرگذاری فراهم می‌گردد. چون این قبیل سخنان و کارها، عایق‌کننده و مانع جذب و تأثیر است. بنابراین «اجتناب» از گفتار و رفتار بد و زشت و تنفرآمیز دیگران، عامل توفیق فراوان آمر به معروف و ناهی از منکر خواهد شد.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۴۷

۲. الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة با ترجمه (ط - القديمة ص ۴۵ - نوشته: ابو عبدالله،

شمس‌الدین، محمد بن مکی بن محمد شامی عاملی جزینی، معروف به شهید اول

امر به معروف و نهی از منکر زبانی، گسترده‌ترین و فراگیرترین مرحله‌ی مراحل سه‌گانه‌ی آن است. بسیاری از آفات در کارنامه‌ی جامعه در امر به معروف و نهی از منکر، ارتباط با زبان دارد. خدای متعال می‌فرماید:

« قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا - با مردم نیکو سخن بگویید. » (بقره/۸۳)؛

جابر بن یزید جعفی گفته است، امام باقر علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند: « قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ - با مردم بهتر از آن چه دوست دارید برای شما گفته شود، سخن بگویید »^۱

در این حدیث شریف ادب سخن گفتن با دیگران در امر به معروف و نهی از منکر لسانی آموزش داده شده است و معیار و شاخص اساسی فراگیر زیباسازی سخنان تبیین گردیده است باید امر به معروف و ناهی از منکر خودش را جای مخاطب بگذارد و بهتر از آن چه که دوست دارد با او سخن گفته شود سخن بگوید.

پیامبر اعظم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره‌ی اهمیت و نقش روش در امر به معروف و نهی از منکر فرموده‌اند:

« من كان أمرا بمعروف فليكن أمره ذلك بمعروف - هر که امر به معروف می‌نماید باید امر او به معروف با شیوه‌ی خوب و زیبا و با روش معروف باشد. »^۲

روش‌های انجام کارها گوناگون و متفاوت است و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر نیز در دو دسته‌ی زیبا و زشت و معروف و منکر جای می‌گیرد. به حکم این حدیث نبوی باید روش‌ها و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۱۶۵

۲. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ص ۷۳۹

نوع زیبا و معروف باشد. روش‌های مشروع و نتیجه بخش و جذاب برای امر به معروف و نهی از منکر را باید از سیره و رفتار و گفتار پیامبر و امامان علیهم‌السلام فرا گرفت و همراه با مقتضیات زمان عملیاتی ساخت و راه‌کارهای تعامل اجتماعی و فرهنگ‌سازی و توسعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را شناسایی نمود و اجرا کرد.

خدای متعال در بیان و تعریف برّ و نیکی می‌فرماید:

« وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَ أُوْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - نیکی این است که پرهیزکار باشید و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.» (بقره/۱۸۹)

جابر گفته است امام باقر علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند:

« یعنی آن یأتی الأمور عن وجهها، فی أي الأمور کان - یعنی امور و کارها هر امری باشد از راهش انجام شود.»^۱

در حدیث دیگر نیز امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند:

« أَتُّوا الْأُمُورَ مِنْ وَجْهِهَا - کارها و امور را از راه و روش و صورت مناسب آن انجام دهید.»^۲

برای امر به معروف و نهی از منکر درهای زیبا و روش‌های جذاب و تأثیرگذار فراوانی وجود دارد که با پای‌بندی به آن‌ها می‌توان زمینه‌های پذیرش امر به معروف و نهی از منکر را فراهم نمود و بی‌توجهی به آن‌ها نیز عامل بزرگ و علت برجسته‌ی عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌باشد.

۱. البرهان فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۴۰۸

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۲ ص ۱۰۵

امام رضا علیه السلام نیز فرموده‌اند:

« مَنْ طَلَبَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ لَمْ يَزَلْ وَ إِنْ زَلَّ لَمْ تَخْذُلْهُ الْحَيَلَةُ - هر کس کار و امری را از روش خود بخواند، نلغزد و اگر لغزشی رخ دهد حيله‌ها و شيطنت‌ها او را خوار نخواهد کرد.»^۱

براساس این حدیث رضوی راه پیش‌گیری از لغزش‌های خوارکننده، انجام امور از روش مناسب آن است و این حقیقت، ضرورت و اهمیت توجه به روش‌ها و شیوه‌های زیبا و مطلوب در احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد. کارآمدی و تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر بستگی به نحوه‌ی اجرای آن دارد و آشنایی با آداب و آگاهی از روش‌های مناسب و زیبا و رعایت و به‌کارگیری آن‌ها، نقش زیادی در پذیرش از سوی مخاطبان دارد.

علل مرتبط با گوینده

برخی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه با شخصیت و رفتار و گفتار آمران به معروف و ناهیان از منکر ارتباط دارد. باید این علل را بازشناسی کرد و این موانع کارآمدی و پایداری امر به معروف و نهی از منکر را برطرف نمود.

۱- عدم آگاهی و معرفت و بصیرت

«علم» و «احتمال اثر» و «فقدان مفسده و ضرر» و «اصرار بر گناه و استمرار کار زشت» شرایط چهارگانه‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است.^۲ نخستین و مهم‌ترین شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر معرفت است. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در شرط اول نوشته‌اند:

۱. الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة با ترجمه (ط - القديمة) ص ۳۶

۲. ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ج ۱، صفحات ۵۲۹ تا ۵۳۶

« أن يعرف الأمر أو النهي أن ماتركه المكلف أو ارتكبه معروف أو منكر، فلا يجب على الجاهل بالمعروف والمنكر، و العلم شرط الوجوب - أمر یا ناهی بدانند آن چه مكلف ترك کرده یا مرتكب گردیده، معروف یا منكر است پس بر جاهل به معروف و منكر واجب نیست و علم و آگاهی شرط وجوب است.»^۱

اقدامات ناآگاهانه برخی مسلمانان و حرکتهای جاهلانه‌ی برخی مجریان، از موانع مقبولیت و موفقیت است. ناآگاهی یا ضعف و کمبود معرفت و بصیرت آمران و ناهیان، بسیار خطرناک و زیان‌بار است. شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه می‌فرماید:

« امر به معروف که یکی از ارکان اسلامی است، جزء لاینفک تعلیمات اسلامی است، یکی از ابواب فقه اسلام است و در فقه همواره مانند نماز و روزه و حج و جهاد و مانند بیع و اجاره و وکالت و نکاح و طلاق و مانند ارث و قضا و شهادت و حدود و قصاص مطرح است (گو این که متأسفانه چند صد سال است که از رساله‌های عملیه خارج شده است و فقط در متن فقه فنی و علمی باقی مانده است و این خیلی عجیب است)»^۲

این خلأ یکی از عوامل ضعف و کاستی، در حوزه‌ی آگاهی‌ها و شناخت و رشد عمومی است. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه پیشگام در احیای امر به معروف و نهی از منکر در رساله‌ی عملیه است. ایشان در رساله‌ی فارسی و در تحریر الوسیله، احکام امر به معروف و نهی از منکر را نوشته‌اند و از این طریق در توان‌مندسازی مردم و رشد اجتماعی آنان در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر افزوده‌اند. یادگرفتن احکام امر به معروف و نهی از منکر و کسب معرفت و بصیرت در این موضوع، بر مکلفان واجب می‌باشد.

۱. تحریر الوسیله ص ۳۶۳

۲. یادداشت‌های شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه ج ۱ ص ۲۴۸

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در این ارتباط نوشته‌اند:
 « يجب تعلّم شرائط الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، و موارد الوجوب و عدمه و الجواز و عدمه؛ حتّى لا يقع في المنكر في أمره و نهيّه - فراگیری و آموختن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم آن و جواز و عدم آن، و اجب است تا مکلف در امر و نهی‌اش در منکر واقع نگردد.»^۱
 پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«لا تأمر بالمعروف و لاتنه عن المنكر حتى تكون علما و تعلم ما تأمر به - امر به معروف و نهی از منکر مکن تا دانا گردی و علم و آگاهی پیدا کنی و بداننی به چه چیزی امر می‌کنی.»^۲
 خطر و زیان بزرگ اقدامات جاهلانه، وقوع در منکر هنگام اجرای امر به معروف و نهی از منکر است.

اقدامات ناروای بی معرفت، به جای اصلاح موجب ضلالت و فساد و دوری از هدف می‌گردد. پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:
 « مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ - هر کس بی‌دانش عمل کند بیش از آن که اصلاح کند و سامان دهد افساد می‌نماید و نابسامانی به وجود می‌آورد.»^۳

امیر مؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند:
 « الْعَمَلُ بِلَا عِلْمٍ [بِعَيْرِ عِلْمٍ] ضَلَالٌ - عمل بی‌علم، عامل گمراهی است.»^۴

۱. تحریر الوسيلة ص ۳۶۴ مسئله ۸

۲. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ج ۳، ص ۷۴، حدیث ۵۵۶۰

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۱ ص ۲۰۸

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۶۱

و نیز فرموده‌اند:

« لَا خَيْرَ فِي الْعَمَلِ بِلَا عِلْمٍ - در عمل و اقدام بی‌علم خیری نیست. »^۱

و امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

« الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا -

مجری و عامل بی‌بصیرت مثل کسی است که بر بی‌راهه و کژراهه می‌رود و

شتاب و سرعت سیر او، جز بر دوری‌اش از راه اصلی و راست نمی‌افزاید! »^۲

خطر ورود ناآگاهان به حوزه‌ی اجرای امر به معروف و نهی از منکر، آن قدر

جدی و چالش برانگیز است که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بازداشتن این افراد

از امر به معروف و نهی از منکر را واجب می‌شمارند و در تبیین شرط معرفت

می‌نویسند:

«لو امر بالمعروف أو نهى عن المنكر فى مورد لايجوز له يجب على غيره نهيه عنهما

- اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند در موردی که برایش جایز

نیست، بر دیگری واجب است او را از امر و نهی بازدارد و نهی از منکر

نماید. »^۳

۲- نداشتن برنامه و نقشه و منطق

توفیق در امر به معروف و نهی از منکر نیازمند برنامه ریزی و طرح و

نقشه‌ی عملیاتی و منطق و خردورزی است. امر به معروف و نهی از منکر

واجب تعبدی نیست، بلکه واجب توصلی است.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۶۱

۲. المحاسن ج ۱ ص ۱۹۸

۳. تحریر الوسيلة ص ۳۶۴ مسئله ۹

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌فرماید:

« در امر کردن و نهی نمودن، قصد قربت و اخلاص معتبر نیست، بلکه این‌ها دو واجب توصلی برای ریشه‌کن کردن فساد و بپا داشتن واجبات می‌باشند، البته اگر قصد قربت داشته باشد در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مأجور می‌باشد.»^۱

شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی فلسفه این نظریه می‌گوید:
 «غیر تعبدی بودن امر به معروف، به خاطر این است که هر دردی دواپی دارد و باید با نقشه عمل شود و به هر حال در این جا نباید چشم بسته بود.»^۲
 وی بر مکانیسم و منطق تأکید دارد و می‌نویسد:
 « برنامه عملی برای مبارزه با منکرات لازم است. باید منطق وارد امر به معروف و نهی از منکر بشود.»^۳

فقدان تدبیر عملی و عدم به کارگیری نیروی عقل و تفکر، مانع کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر و موجب عدم پذیرش آن می‌گردد.
 امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام در ارتباط با پیوند و کارکرد عقل و تدبیر فرموده‌اند:

« أَذْلُ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعُقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ - بالاترین خیر و بهترین دلیل بر بسیاری عقل هر انسان، تدبیر نیکوی او است.»^۴

۱. تحریر الوسيلة (ترجمه فارسی) ج ۱ ص ۵۲۸ مسئله ۱۳

۲. یادداشت‌ها ج ۱ ص ۲۵۱

۳. یادداشت‌ها ج ۱ ص ۲۵۱

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۵۴

در بیان دیگری فرموده‌اند:

« لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ - هیچ عقلی مانند تدبیر نیست. »^۱

درباره‌ی نقش تدبیر در پیش‌گیری از پشیمانی و لغزش فرموده‌اند:

« التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُ النَّدَمَ - تدبیر پیش از کار از پشیمانی ایمن می‌سازد. »^۲

با عقل و خردمندی و بینش و تفکر در کارها و مشاوره با ابرار و متخصصان مؤمن و مخلص است که برنامه و نقشه و منطق و تدبیر نیک و مؤثر و مفید بر گفتار و رفتار انسان‌ها حاکم می‌گردد و میزان پذیرش اجتماعی بالا می‌رود اما اقدامات بی‌خردانه و تلاش‌های بدون برنامه و نقشه و تدبیر و منطق با عکس‌العمل منفی افراد مواجه می‌شود و پذیرش اجتماعی کاهش می‌یابد. امام علی علیه‌السلام فرموده اند:

« مَنْ ضَلَّ مُشِيرُهُ بَطَلَ تَدْبِيرُهُ - هر کس مشاورش گمراه باشد تدبیر او باطل گردد. »^۳

۳- عدم رعایت مراتب

امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه قلبی و زبانی و عملی است. اگر مقصود با مرتبه‌ی قبلی حاصل شود نوبت به مرحله‌ی بعدی نمی‌رسد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی لزوم رعایت مراتب نوشته‌اند:

« همانا برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که در صورت حصول مطلوب از مرتبه پایین‌تر - حتی با احتمال حصول آن - جایز نیست که به مرتبه بالاتر تعدی نمود. »^۴

۱. التوحید (للسدوق) ص ۳۷۶

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۵۴

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۴۳

۴. تحریر الوسيلة (ترجمه فارسی) ج ۱ ص ۵۴۱

ایشان در پی یادآوری اقسام و نمونه‌های امر به معروف و نهی از منکر قلبی، اقتصار و اکتفا به مرتبه‌ی قلبی و بلکه اکتفای به درجه‌ی آسان‌تر و پایین‌تر در مرتبه‌ی قلبی را با احتمال اثر و رفع منکر، واجب دانسته و ورود به درجه‌ی بالاتر را غیر جایز شمرده‌اند.^۱

یکی از موانع پذیرش اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، عدم رعایت مراتب آن از سوی آمران و ناهیان و ورود آنان به مرتبه‌ی دوم یا سوم با یقین یا گمان و احتمال رسیدن به هدف در مرتبه‌ی نخستین و اقسام و نمادهای آن است. در صورتی که با امکان حصول مقصود در مرتبه‌ی قلبی و مصادیق و مظاهر آن، ورود به مرتبه‌ی دوم یا سوم حرام است و اقدامات آمر و ناهی از نظر شرعی غیر مجاز خواهد شد.

ترتیبی بودن مراتب و عدم جواز گذر از مرتبه‌ی آسان‌تر در صورتی که در همان مرتبه‌ی هدف تحقق یابد، برای فراهم شدن زمینه‌ی قبول در مخاطبان است و نشانه‌ی برنامه‌ی خردمندانه اسلام برای هدایت انسان‌ها می‌باشد.

۴- تناقض در گفتار و رفتار

گرچه «عدالت» و «عمل» از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست، اما «تبلیغ عملی» بزرگ‌ترین و شریف‌ترین و لطیف‌ترین و تأثیرگذارترین نوع امر به معروف و نهی از منکر است

ناآراستگی آمر به آن چه به آن امر می‌کند و عدم پیراستگی ناهی از آن چه دیگران را از آن بازمی‌دارد، مانع موفقیت و عامل عدم پذیرش است.

۱. تحریر الوسيلة (ترجمه فارسی) ج ۱ ص ۵۴۱

امام سجاد علیه‌السلام چنین فردی را منافق نامیده و به ابوحمزه‌ی شمالی فرموده‌اند:

« إِنَّ الْمُنَافِقَ يَنْهَى وَ لَا يَنْتَهِي، وَ يَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي - منافق نهی می‌کند از چیزی که خود از آن دوری نمی‌نماید و امر می‌کند به آن چه خود انجام نمی‌دهد.»^۱
امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام راه اصلاح افراد را رفتار و گفتار زیبا دانسته و دستور داده‌اند:

« أَصْلِحِ الْمُسِيءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ وَ دُلْ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ - بدکار را با رفتار نیکت اصلاح کن و با گفتار زیباییت به سوی خیر راهنمایی بنما.»^۲
امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی دعوت عملی فرموده‌اند:

« كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعْدَ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ - مردم را با غیر زبان به خوبی فرا بخوانید تا در شما عمل و کوشش و راستی و صداقت و ورع مشاهده کنند.»^۳

در حدیث دیگر فرموده‌اند:
« رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا كَانُوا دُعَاءَ إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ جَهْدِ طَاقَتِهِمْ - خداوند آن جمعیت را رحمت کند که چراغ و مناره هدایت اند و مردم را با اعمال و نهایت توان‌شان به سوی ما فرا می‌خوانند.»^۴

تعارض آشکار و پنهان میان گفتار و رفتار و ناهماهنگی بین قلب و زبان آمران و ناهیان، نقش برجسته‌ای در عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر دارد.

۱. کافی (ط - دارالحدیث) ج ۴ ص ۱۶۱

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵

۳. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۱۰۵

۴. تحف العقول ص ۳۰۱

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

« إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا -
هرگاه عالم به علمش عمل نکند، اثر موعظه‌اش از دل‌ها زایل می‌گردد آن
چنان که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد»^۱

۵- ناتوانی در اقناع مخاطب

بلاغت و روانی سخن جهت فهمیدن مخاطب و هضم نمودن کلام، و درستی اسناد و مدارک برای قانع شدن وی، پذیرش امر به معروف و نهی از منکر را آسان می‌سازد. ناتوانی آمر و ناهی از استدلال و برهان و از گفتار و رفتار آرامش‌بخش و بیدار کننده، موجب عدم پذیرش سخنان وی می‌گردد. شایسته است سخنان آمر و ناهی توان نفوذ در دل مخاطب و جلب اعتماد و جذب وی و بازآفرینی و پرورش و هدایت وی را دارا باشد. معروف حقیقتی است که دل‌ها با آن انس می‌گیرند و آرامش می‌یابند. در وجه تسمیه معروف آمده است:

« المعروف سمی بذلك لأن النفوس تسكن إليه - معروف را معروف نامیده‌اند چون دل‌ها با آن آرامش می‌یابد.»^۲

اقرب الموارد نیز نوشته است:

« المعروف ضد المنكر و هو كل ما تعرفه النفس من الخير و تطمئن إليه - معروف ضد منکر است و هر چیزی است که نفس انسان آن را خیر می‌شناسد و با آن اطمینان و آرامش می‌یابد.»^۳

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۴۴

۲. معجم المقایس اللغة ج ۴ ص ۲۸۱

۳. ج ۲، ص ۷۶۸

چینش محتوا و روش گوینده، در اقناع مخاطب و آرامش وی و پذیرش و قبول فوری مؤثر است.

انسان با سخنان کوتاه و گویا و رسا و به جا و مناسب و پر معنی و آمیخته با منطق، به هدف می‌رسد.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«لَيْسَتْ الْبَلَاغَةُ بِحِدَّةِ اللِّسَانِ وَ لَا بِكَثْرَةِ الْهَدْيَانِ وَ لَكِنَّهَا إِصَابَةُ الْمَعْنَى وَ قَصْدُ الْحِجَّةِ - بلاغت به تندى زبان و پرت و پلاگویی بسیار نیست، بلکه بلاغت رساندن معنا و آوردن دلیل و برهان درست است.»^۱

در حدیث دیگر فرموده‌اند:

«ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْبَلَاغَةُ التَّقَرُّبُ مِنْ مَعْنَى الْبُعْيَةِ وَ التَّبَعْدُ مِنْ حَشْوِ الْكَلَامِ وَ الدَّلَالَةُ بِالْقَلِيلِ عَلَى الْكَثِيرِ - بلاغت در سه چیز است:

نزدیک شدن به معنای مورد نظر،

دوری کردن از گفتار حشو و زاید،

و رساندن معنای زیاد با عبارت کم!»^۲

آمر و ناهی باید راه نفوذ در مخاطب را بیابد و حقیقت را به وی بفهماند و حجت را تمام کند.

امام علی علیه‌السلام درباره‌ی قدرت و نیروی استدلال فرموده‌اند:

«قُوَّةُ سُلْطَانِ الْحِجَّةِ أَعْظَمُ مِنْ قُوَّةِ سُلْطَانِ الْقُدْرَةِ - نیروی دارنده حجت و استدلال بیشتر از نیروی دارنده قدرت است.»^۳

۱. تحف العقول ص ۳۱۲

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۵ ص ۲۳۰

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۴۳

۶- عدم سخاوت

پول خرج کردن و انفاق و اطعام و مواسات و همکاری مالی و جود و بخشش و کرم و سخاوت، یکی از رازهای توفیق در امر به معروف و نهی از منکر است.

امام علی علیه السلام درباره‌ی آثار سخاوت فرموده‌اند:

« السَّخَاءُ يَزْرَعُ الْمَحَبَّةَ - سخاوت محبت را در دل‌ها می‌نشانند.»

« السَّخَاءُ يُنْمِرُ الصَّفَاءَ - سخاوت صفا را نتیجه می‌دهد.»

« السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْحَمْدَ - سخاوت ستایش را برمی‌انگیزد و کسب می‌کند.»

« سَبَبُ السَّيَادَةِ السَّخَاءُ - سخاوت سبب سرور و بزرگی و آقایی است.»^۱

سرمایه‌گذاری در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، بهترین سرمایه‌گذاری است و با تأمین هزینه‌های لازم برای آن از سوی دولت و ملت و با انفاق و هزینه نمودن ثروت در راه احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از موانع و چالش‌های اجتماعی از بین می‌رود.

۷- خشونت و فقدان نگاه ترحم‌آمیز

از دیدگاه اسلام آدم بد وجود ندارد و انسان‌ها بر فطرت توحیدی آفریده شده‌اند و امکان تربیت و سعادت و آراستگی به فضایل و پیراستگی از رذایل برای همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. فقط آدم بیمار وجود دارد و برخی انسان‌ها بیماری‌های روحی و روانی پیدا می‌کنند و برای بهداشت روانی و سلامت آنان باید کوشش کرد.

از منظر اسلام اهل معصیت قابل ترحم‌اند.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۷۸

امام علی علیه‌السلام چنین هشدار داده‌اند:

«إِنَّمَا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَ الْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الدُّنُوبِ وَ الْمُعْصِيَةَ - سزاوار است کسانی که گناه ندارند و اهل عصمت‌اند و از سلامت دینی برخوردارند، به گناهکاران و اهل معصیت ترحم نمایند.»^۱

شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه درباره‌ی این خطبه می‌نویسد:

«این خطبه گرچه در مقام نهی از غیبت است، اما یک اصل کلی را ذکر می‌کند و آن این که اهل معصیت قابل ترحمند باید انسان بر بیچارگی و ضعف آن‌ها رحمت آورد. همان‌طور که یک بیمار گرفتار، رحمت انسان‌ها را برمی‌انگیزد یک گناهکار هم بیمار و گرفتار و قابل ترحم است... شرط مصلح این است که انگیزه‌اش رحمت باشد نه عناد.»^۲

روش موفقیت‌آمیز در بهبود بیماری‌های گناهکاران و اهل منکرات، مهرورزی و دلسوزی و لطف و دستگیری و فداکاری برای درمان آنان است و فقدان این روحیه موجب چالش‌ها و مشکلات می‌گردد.

پیامبران الهی و به ویژه بهترین و آخرین آنان حضرت محمد و اهل بیت ایشان صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین با نرمی و مدارا و حلم و عفو و حسن خلق در راه اصلاح و هدایت بشرگام برداشته‌اند.

خدای متعال به حضرت موسی و برادرش هارون علیهما‌السلام در روش گفتگو با فرعون چنین دستور می‌دهد:

«أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى - به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است * اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.» (طه/۴۳ و ۴۴)؛

۱. نهج البلاغة (للصبي صالح) ص ۱۹۷ خطبه ۱۴۰

۲. یادداشت‌ها ج ۱ ۲۴۲

قرآن نرمی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را ناشی از رحمت الهی می داند و همان را عامل جذب مردم می شمارد و خشونت را مانع ارتباط و اثرگذاری می داند.

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ - به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب!» (آل عمران/۱۵۹)

خشونت قولی یا فعلی آمران و ناهیان، عامل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است.

۸- عدم توجه به هدف و غفلت از نتیجه

هدف نهایی امر به معروف و نهی از منکر، تشویق و واداشتن مخاطب بر اجرای معروف و بازداشتن وی از منکر است. باید شوق انجام معروف و ترک منکر را در مخاطب ایجاد نمود. هدف شعار دادن و حرف زدن و تشریفات و پرکردن کارنامه و خوشی و لذت درونی امر و ناهی و تحقیر و شکستن و کوبیدن شخصیت مخاطب و انتقام از وی و سرزنش مخاطب نیست.

عدم رعایت قوانین مرتبط با هدف اندیشی و نتیجه گروی، باعث دور شدن امر و ناهی از الزامات تکلیف و سرانجام بی نتیجه بودن کار و شکست وی می گردد. باید تکلیف را به گونه ای انجام داد که به هدف و نتیجه ی مطلوب منتهی شود و عدم درک هدف و کوتاهی در شناسایی وسایل و ابزارهای مشروع رسیدن به هدف و عدم به کارگیری آنها، از اسباب عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. دخالت دادن انگیزه های انحرافی و غیر الهی و ناروا در احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نهضت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را تضعیف می کند و به ناپایداری و شکست می کشاند.

۹- بی توجهی به ریشه‌ها و علت‌ها و اولویت‌ها

پرداختن به معلول‌ها و غفلت از علت‌ها، از عوامل ناکامی آمران به معروف و ناهیان از منکر است. آن جا که به علت‌های شناخته شده و روشن برخی ناهنجاری‌ها بی توجهی شود و تنها به معلول‌ها تأکید و اصرار شود، راه تأثیرگذاری بسته می‌گردد.

بدیهی است مبارزه با علت فساد مهم‌تر از مبارزه با معلول‌هاست و نبرد با منکرات بزرگ و زیان‌بار و خطرناک بر سایر منکرات اولویت دارد و غفلت از علت‌ها و تغافل نسبت به اولویت‌ها، از اسباب زایش چالش‌ها در فرآیند قبول امر به معروف و نهی از منکر است.

۱۰- عدم درک نیازها و مشکلات مخاطب

بی توجهی به دردها و رنج‌ها و نیازها و مشکلات مخاطب و رها ساختن وی در غم و غصه‌ها و اندوه‌هایش، موجب بی توجهی متقابل وی به امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد. برآورده ساختن حاجت انسان‌ها و مشکل‌گشایی از آن‌ها، فرصت مناسبی برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است.

امام حسین علیه‌السلام فرموده‌اند:

« اَعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ

- بدانید حوائج و نیازهای مردم به شما، از نعمت‌های خداوند بر شماست پس از نعمت‌ها اندوهگین و افسرده مباشید و این نعمت‌ها بر شما ناگوار و سخت نباشد که به دیگران انتقال می‌یابد.^۱»

چشم‌پوشی از شرایط و ویژگی‌های مخاطب و غفلت از وضعیت جسمی و روحی و توانایی‌های وی، و برخورد مکانیکی با موجود مختار آزاد، موجب کاهش آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد.

۱. أعلام الدین فی صفات المؤمنین ص ۲۹۸

۱۱- تجاوز به آزادی مردم

برای برپاداشتن واجب و رهایی از حرام، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. ورود به «منطقه الفراغ» که خداوند در اختیار خود انسان‌ها گذاشته است، با عدم پذیرش و با مخالفت افراد روبرو می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر برای کنترل و مهار تخلف است و آن‌جا که خداوند انسان را آزاد گذاشته است تخلفی صورت نگرفته است و ورود به آن ممنوع است.

شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه در این رابطه می‌نویسد:

«تصور عامه مردم ما درباره‌ی امر به معروف این است که به بند کفش و دگمه‌ی لباس و موی سر و دوخت جامه‌ی مردم ایراد بگیریم، در صورتی که این‌ها منطقه‌ی آزادی مردم است. منطقه‌ی آزادی افراد غیر از محیط و جو اجتماعی است... به‌طور کلی حدود این مطلب باید روشن شود که در چه مسائلی جامعه حق نظارت بر اجرا دارد و در چه مواردی حق ندارد و فقط در زمینه‌ای که تخلف ثابت می‌شود حق مداخله دارد»^۱

۱۲- عدم ارائه‌ی جایگزین مناسب

برای رفع و دفع برخی از منکرات و درمان آن‌ها، نیاز به جایگزین مشروع و مناسب وجود دارد و ناتوانی از ارائه‌ی جایگزین مطلوب برای رفع منکرات تأثیرگذاری امر به معروف را کم می‌کند.

راه‌های جایگزین مشروع را باید شناخت و آموزش داد تا تفکر و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر گسترش یابد و بارور گردد.

در سنت اهل بیت علیهم‌السلام بهترین روش‌ها و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است و روش‌ها و شیوه‌های زیبا و خردمندانه در

اندیشه و رفتار و گفتار امامان جاری بوده است. باید آن روش‌ها را شناخت و به آن‌ها عمل نمود.

یکی از روش‌هایی که در قرآن و حدیث اهل بیت علیهم‌السلام یادآوری شده است «دفع منکر با معروف» است.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام به اصحاب خویش این روش را آموخته‌اند. ایشان در پاسخ پرسشی پیرامون «سداد» همین روش را توصیف نموده‌اند.

از حضرتش سؤال شد: «مَا السَّدَادُ؟»، سداد چیست؟

فرمودند: «دَفْعُ الْمُنْكَرِ بِالْمَعْرُوفِ - برگرداندن و رد کردن و کوبیدن منکر با معروف است.»^۱

«سداد» با فتح سین به معنای گفتار و رفتار محکم و درست و مطابق عقل و منطق و درستی و راستی و صافی و بی‌عیب و نقص شدن است و سداد با کسره سین بستن و سد کردن و گرفتن و برگرداندن است.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام در این پرسش و پاسخ روش درست رفتاری و گفتاری در امر به معروف و نهی از منکر را «دفع منکر به معروف» دانسته‌اند. در واقع امام دوم در این گفتگو همان روشی را که وحی الهی و قرآن به جهانیان آموخته‌اند تبیین نموده‌اند، زیرا قرآن در همه‌ی مواردی که از امر به معروف و نهی از منکر با هم سخن گفته است، نخست امر به معروف و سپس نهی از منکر را ذکر می‌کند و این نشان دهنده‌ی بهترین راه و رسم و روش مطلوب و عملیاتی و اجرایی است. «دفع منکر با معروف» روش و شیوه‌ی خردمندانه‌ای است که باعث اثرگذاری و افزایش سودمندی کار می‌گردد.

۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج ۱ ص ۵۶۸

در این روش دو نکته و اصل نهفته است. اول شایسته است نهی از منکر و دفع منکر با گفتار و رفتار «معروف» و زیبا و درست باشد،

دوم به جای نهی مستقیم از منکر با «امر به معروف» منکرات دفع گردد. هم معروف بودن قول و فعل در نهی از منکر لازم است و هم دفع منکر با آموزش معروف و جایگزین کردن مناسب برای منکر انجام گردد. آن جا که امر به معروف و نهی از منکر با روش زیبا و جذاب و دل چسب باشد، قطعاً اثربخش خواهد بود. با انتخاب روش درست امر به معروف و نهی از منکر از سوی آمران و ناهیان، هرگز اقدامات آنان بی اثر نخواهد شد. بنابراین با روش شناسی و روش یابی درست، همواره شرط «احتمال اثر» وجود دارد و انجام تکالیف مؤثر و سودمند خواهد بود.

۱۳- عجله، شتابزدگی و کمبود وقت

رسیدن به هدف در امر به معروف و نهی از منکر نیازمند صرف وقت و همراهی و همکاری است. شتابزدگی و کمبود وقت و توقع اثر فوری، از مشکلات اثرگذاری امر به معروف و نهی از منکر است. تربیت و ساختن افراد زمان می برد و باید با حوصله و صبر و تحمل و مدارا و صرف وقت اقدام کرد.

امام علی علیه السلام در بیان خطر عجله فرموده‌اند:

«الْعَجَلُ يُوجِبُ الْعِثَارَ - شتابزدگی موجب لغزش است»^۱

التَّائِبُ يُوجِبُ الْإِسْتِظْهَارَ - دقت و حوصله و آرامش موجب پشت گرمی و

پیشرفت است.»^۲

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ۲۶۷

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۷۷

امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند:

« مَعَ الثَّبُوتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَ مَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ النَّدَامَةُ - با آرامی و حوصله و

درنگ؛ سلامت از خطا و انحراف است و با شتابزدگی پشیمانی است.^۱
 بنابراین برای آشناسازی و حساس‌سازی و تغییر نگرش و هنجارسازی در مخاطبان، شتابزدگی روا نیست، زیرا شناخت و اندیشه و آرمان و اراده و عمل زمان می‌برد.

۱۴- اقدام علنی و در حضور دیگران

امر به معروف و نهی از منکر پنهانی و چهره به چهره بی حضور دیگران نشان دهنده‌ی صداقت و دلسوزی و خیرخواهی آمر و ناهی و باعث نفوذ در مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر است.

موعظه و ارشاد آشکار و علنی پیش چشم دیگران، باعث ناآرامی و ناراحتی و زجر و رنج مخاطب و موجب تحقیر شخصیت وی می‌گردد و او را به مقاومت در برابر آمر و ناهی و عدم پذیرش معروف و تلاش برای دفاع از خود و توجیه کار زشت خود می‌کشاند.

در موعظه‌ی علنی، عزت و کرامت و حرمت مخاطب رعایت نمی‌گردد و انگیزه برای قبول کاهش می‌یابد و در مواردی به صفر می‌رسد.

امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

« النَّصْحُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَفْرِيعٌ - نصیحت علنی و در میان مردم، کوبیدن و درهم

شکستن و بی‌قرار ساختن است.^۲»

۱. الخصال ج ۱ ص ۱۰۰

۲. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج ۲۰ ص ۳۴۱ حکمت ۹۰۸

امام حسن عسگری علیه السلام نیز در نکوهش موعظه‌ی علنی فرموده‌اند:
 « مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ - هر کس برادرش را
 پنهانی و سرّی موعظه کند او را آراسته است و هر کس او را علنی موعظه نماید،
 او را رسوا و مفتضح ساخته است.»^۱

شایسته است امر به معروف و نهی از منکر در خلوت و نجوا و پنهانی و در
 ارتباطات فردی و شخصی انجام شود و رازی بین آمر و مأمور بماند. تنها در این
 صورت او را آراسته و زیبا و شاد ساخته و عمل به تکلیف به نتیجه‌ی مطلوب
 خواهد رسید. نصیحت و موعظه‌ی علنی و پیش چشم و گوش دیگران، کوبیدن
 و درهم شکستن و مذمت کردن و ملامت نمودن و رسوا و مفتضح ساختن و بد
 گفتن و برخورد زنده‌ای است که آمر و ناهی را از رسیدن به هدف باز می‌دارد و
 موجب عدم پذیرش مخاطب می‌گردد.

فهرست سایر عوامل

افزون برآنچه ذکر شد عوامل زیر نیز از عوامل سلب اعتماد و موانع نفوذ و
 تأثیرگذاری در مخاطبان است و باعث کم‌اثر شدن امر به معروف و نهی از منکر
 می‌گردد.

۱۵ «اقدامات فردی نه گروهی و سیستمی»،

۱۶ «مسخره کردن»،

۱۷ «بزدلی و ترس»،

۱۸ «عُجَب و خودپسندی»،

۱۹ «لجبازی و لجاجت»،

۲۰ «تهمت»،

- (۲۱) «بی‌نظمی»،
- (۲۲) «عدم نظافت و پاکیزگی»،
- (۲۳) «نگاه ناپسند»،
- (۲۴) «بد قولی»،
- (۲۵) «سوء ظن و بدگمانی»،
- (۲۶) «دروغ‌گویی»،
- (۲۷) «غرور و تکبر»،
- (۲۸) «بی‌عدالتی»،
- (۲۹) «فرصت ندادن برای ابراز نظر به مخاطب»،
- (۳۰) «بوی بد دهان»،
- (۳۱) «تکیه کلام‌ها و تیک‌های گفتاری و رفتاری»،
- (۳۲) «بی‌احتیاطی»،
- (۳۳) «عدم پوشش زیبا و مناسب»،
- (۳۴) «عدم مداومت و پی‌گیری و استمرار»،
- (۳۵) «بی‌انصافی»،
- (۳۶) «افشای راز»،
- (۳۷) «آبروریزی»،
- (۳۸) «قدرت‌طلبی»،
- (۳۹) «ریاست‌طلبی»،
- (۴۰) «کینه‌ورزی».

- (۴۱) «بی سلیقگی»،
- (۴۲) «منت گذاشتن»،
- (۴۳) «آزمندی»،
- (۴۴) «عیب جویی»،
- (۴۵) «خیانت»،
- (۴۶) «فریبکاری»،
- (۴۷) «تعصب‌های نژادی و زبانی»،
- (۴۸) «حواس پرتی»،
- (۴۹) «فخر فروشی»،
- (۵۰) «کثرت کارها و مسؤولیت‌ها و عدم تمرکز بر کار»،
- (۵۱) «حماقت»،
- (۵۲) «فرصت سوزی»،
- (۵۳) «عدم مشاوره»،
- (۵۴) «هوس رانی»،
- (۵۵) «سود جویی»،
- (۵۶) «اجبار و اکراه»،
- (۵۷) «حسادت»،
- (۵۸) «بی حیایی»،
- (۵۹) «تسویف و کار امروز را به فردا سپردن»،
- (۶۰) «نبود قوانین لازم حکومتی».

- (۶۱) «فقدان تشکیلات و سازمان مطلوب و نبود ساز و کارهای مناسب»،
- (۶۲) «بی‌توجهی به آماده ساختن ذهن مخاطب»،
- (۶۳) «غفلت از امتیازات و خوبی‌های مخاطب و ستودن آن‌ها»،
- (۶۴) «عدم درک ظرفیت و گنجایش و مقدار خرد مخاطب»،
- (۶۵) «فراموشی یا ناتوانی از تبیین فلسفه‌ی حکم»،
- (۶۶) «ناتوانی در الگودهی و الگوسازی و مدسازی مطلوب»،
- (۶۷) «جابجایی بشارت و انذار و به عکس»،
- (۶۸) «ناآگاهی از شرایط محیطی و خانوادگی مخاطب»،
- (۶۹) «اقدامات یک بعدی»،
- (۷۰) «ناتوانی در محبوب سازی معروف و ایجاد تنفر از گناه»،
- (۷۱) «سخت‌گیری»،
- (۷۲) «تنگ نظری»،
- (۷۳) «بی‌توجهی به مصلحت مخاطب»،
- (۷۴) «تجسس»،
- (۷۵) «تعبیر»،
- (۷۶) «شماتت»،
- (۷۷) «داشتن همسر یا فرزندان فاسد»،
- (۷۸) «ناتوانی در انگیزش و ایجاد انگیزه و جهت‌دهی و هدایت آن»،
- (۷۹) «خستگی و عدم تکرار و استمرار»،
- (۸۰) «محیط آلوده»

البته همان‌گونه که در قبل آمد وجود برخی صفات منفی و عدم وجود بعضی صفات مثبت ذکر شده در افراد، به معنای این نیست که نباید امر به معروف و نهی از منکر نماید، بلکه به این معنا است که باید در ضمن انجام فریضه بکوشد تا خود را به زیور صفات خوب بیاراید و صفات منفی را از خود دور کند، تا امر و نهی او تأثیر بیشتری داشته باشد.

زیرا غفلت از امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، مردم را به وضعیتی می‌رساند که در حدیث نبوی آمده است.

ابو سعید خدری گفته است پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«يأتى على الناس زمان خيرهم من لا يأمر بالمعروف و لا ينهى عن المنكر - بر مردم زمانی خواهد آمد که بهترین آنان کسی شود که امر به معروف و نهی از منکر نکند.»^۱

و ابن عباس گزارش کرده است، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«يأتى على الناس زمان يذوب فيه قلب المؤمن كما يذوب الملح فى الماء، قيل مم ذاك؟ قال: مما يرى من المنكر لا يستطيع يغيره - بر مردم زمانی می‌آید که در آن

دل مؤمن همانند نمک در آب ذوب می‌شود. گفته شد: چگونه و چرا؟ پیامبر فرمود: از آن چه از منکر می‌بیند و نمی‌تواند آن را تغییر دهد.»^۲

مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان از حذیفه صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است که گفت:

«يأتى على الناس زمان لأن يكون فيهم جيفة حمار أحب إليهم من مؤمن يأمرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنكر - بر مردم زمانی می‌آید که بودن مردار الاغ در بین آنان محبوب‌تر و بهتر است از مؤمنی که آنان را امر به معروف کند و نهی از منکر نماید.»^۳

۱. کنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال ج ۳، ص ۲۷۵، حدیث ۸۴۶۸

۲. کنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال ج ۳، ص ۲۷۵ حدیث ۸۴۵۹

۳. مجمع‌البیان فى تفسیر القرآن ج ۲ ص ۸۰۷